

SID



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه‌های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم‌های
آموزشی

سامانه ویراستاری (ویرایش متون فارسی، انگلیسی، عربی)

کارگاه‌ها و فیلم‌های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



دوره مقدماتی گوگل ادز

دوره مقدماتی گوگل ادز



جذب پروژه از طریق لینکدین

جذب پروژه از طریق لینکدین



آموزش نرم‌افزار پاورپوینت (مقدمانی)

آموزش نرم‌افزار پاورپوینت



آموزش طراحی بسته بندی

آموزش طراحی بسته بندی



97170-92402

تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق
و مطالعات فرهنگی - اجتماعی

کترانس ملی
دساوردهای نوین جهان در



تاملی فقهی در عدم جواز مطالبه خسارات مازاد بر دیه

سید مجتبی حسین نژاد^۱

چکیده:

بحث از جواز و عدم مطالبه خسارات مازاد بر دیه از مسائلی است که در باب دیات از اهمیت بسزایی برخوردار است. نگارنده پس از تعریف دیه و تبیین وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور و نظرات اداره حقوقی قوه قضاییه در رابطه با خسارت مازاد بر دیه و نظرات فقها، به تحلیل مستندات فقهی جواز مطالبه خسارات مازاد بر دیه می پردازد. پس از فحص و جستجو این نتیجه حاصل که با توجه به مستندات از جمله: قاعده لاضرر، قاعده نفی حرج، قاعده تسبیب، بنای عقلا و حفظ پایداری نظام و مصالح همگانی، می توان حکم به جواز مطالبه خسارات مازاد بر دیه از جانی نمود.

واژگان کلیدی: دیه، خسارت مازاد بر دیه، قاعده لاضرر، قاعده نفی حرج، قاعده تسبیب، بنای عقلا، حفظ نظام.

^۱. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی موسسه آموزش عالی پارسا- بابلسر ایمیل:

mojtabahoseinnezhad4@gmail.com

۱- طرح مسئله

از جمله مسائل مبتلابه در مسائل فقه و حقوق، بحث پرداخت دیه در صدمات بدنی یا نقص عضو است. یکی از مهمترین این سوالات که بررسی آن می تواند از اهمیت بسزایی برخوردار باشد، آن است که آیا می توان در صدمات جسمانی علاوه بر دیه خسارتی دیگر را را مطالبه کرد؟ گاهی مشاهده می شود شخصی که در حادثه یا نزاعی، مصدوم یا مضروب شده است و از شرایط تحقق دیه برخوردار است با مشکلی به نام «خسارات مازاد بر دیه» مواجه است چرا که دیه تعلق گرفته قادر نیست خرج و مخارج معالجات و بیمارستان و خسارات وارده را تأمین کند و شخص مصدوم یا مضروب، علاوه بر تحمل رنج و مشقت باید هزینه های معالجه و درمان را که به مراتب از دیه اخذ شده بیشتر است، خود بپردازد.

این مقاله در صدد پاسخ به سوال فوق است و پس از مطرح نمودن وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور و نظرات اداره حقوقی قوه قضاییه و استفتائات فقها در رابطه با خسارت مازاد بر دیه، به بررسی مستندات فقهی جواز مطالبه خسارات مازاد بر دیه است.

۲- تعریف دیه

با مراجعه به عبارات فقها می توان دیه را چنین تعریف نمود:

دیه، مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا پایین تر از نفس انسان آزاد واجب می شود (ر.ک: طباطبایی حائری، ۱۴۱۸، ج ۱۶، ص ۳۴۳؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۲؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۹، ص ۵۹).

۳- وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور و نظرات اداره حقوقی قوه قضاییه در رابطه با خسارت مازاد بر دیه

اختلاف عقیده ای که در زمینه ماهیت حقوقی و فقهی دیه وجود دارد، تأثیر مستقیمی بر رویه قضایی در خصوص امکان یا عدم امکان جبران زیان مازاد بر دیه، گذاشته است. در آراء دادگاه های بدوی غالباً ضرر و زیان مازاد بر دیه قابل مطالبه بوده است، اما شعبه های دیوان عالی کشور با احتیاط و احترام به سنت ها از تأیید آرای که به ضرر و زیان مازاد بر دیه اصدار یافته اند، خودداری ورزیده است. در خصوص مطالبه خسارات مازاد بر دیه باید گفت با نگاهی به مواد قانونی، نظرات صاحب نظران، آرای اصراری و وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور، نظرات اداره حقوقی قوه قضاییه و نظرات مشورتی قضات به دست می آید که دو نوع برداشت کلی در این زمینه وجود دارد:

برداشت اول

مطالبه خسارات مازاد بر دیه مثل هزینه های دارو و درمان، ضرر و زیان ناشی از آن و یا خسارات از کارافتادگی جایز نیست. در این برداشت، آرا و نظرات قضایی ذیل قابل توجه و تأمل است:

۱- رأی اصراری هیئت عمومی دیوان عالی کشور شماره ۱۱۰-۱۳۶۸،۹،۲۱-۱۱۰ اشعار می دارد: «در خصوص مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم، باتوجه به اینکه در جرایمی که مستلزم پرداخت دیه است شرعاً جز دیه خسارت دیگری نمی توان مطالبه کرد... بنابراین حکم به پرداخت خسارت علاوه بر دیه وجه قانونی ندارد...»

۲- رأی اصراری هیئت عمومی دیوان عالی کشور شماره ۱۶-۱۳۶۹،۵،۲-۱۳۶۹،۵،۲-۱۱۰ نیز بیان داشته است: «دادگاه کیفری یک در مورد قطع نخاع که منتهی به از کارافتادن پاها شده است و همچنین برای هریک از صدمات دیگر بر وفق قانون دیات حکم به پرداخت چند دیه صادر کرده است بنابراین در مورد از کارافتادن پاها که بر اثر قطع نخاع بوده است مطالبه ضرر و زیان دیگری علاوه بر دیه، فاقد مجوز قانونی است.»

۳- همچنین رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور شماره ۶۱۹-۷۶،۹،۲۸-۶۱۹ اظهار داشته است: «مستفاد از ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی ارش اختصاص به مواردی دارد که در قانون برای صدمات وارده به اعضای بدن، دیه تعیین نشده باشد، در ماده ۴۴۲ قانون مزبور برای شکستگی استخوان اعم از آنکه بهبودی کامل یافته و یا عیب و نقص در آن باقی بماند، دیه معین شده است که حسب مورد همان مقدار دیه باید پرداخت گردد، تعیین مبلغ مازاد بر دیه با ماده مرقوم مغایرت دارد.»

۴- اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در نظر شماره ۷،۳۳۷۶-۱۳۶۲،۸،۲۳-۷،۳۳۷۶ بیان داشته است: «در صورتی که متهم قصاص شود یا حکم به پرداخت دیه صادر گردد، دیگر مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم مورد نخواهد داشت مواردی که ضرر و زیان مورد مطالبه مربوط به نفس یا عضو نباشد مطالبه آن بلاشکال است.»

۵- برخی از قضات نیز در نظر مشورتی خود در زمینه ضرر و زیان هزینه های درمانی زائد بر دیه، قائل بر این شده اند که: «در مورد صدمات بدنی غیر عمدی غیر از دیه، چیز دیگری به مصدوم تعلق نمی گیرد و صدور حکم زاید بر دیه ولو به میزان هزینه های درمانی متعارف خلاف موازین فقهی است».

برداشت دوم

برداشت دوم برخلاف برداشت اول، این است که مطالبه خسارات مازاد بر دیه جایز است. آرا و نظرات قضایی ذیل موید این برداشت است.

۱- رای اصراری هیئت عمومی دیوان عالی کشور شماره ۶-۱۳۷۵،۴،۵-۶ بر خلاف آرای اصراری ۱۱۰ و ۱۶- که در برداشت اول ذکر شد- خسارت و ضرر و زیان مازاد بر دیه را قابل مطالبه دانسته و بیان داشته است: «نظر به اینکه از احکام مربوط به دیات و فحوائی مواد قانون راجع به دیات نفی جبران سایر خسارات وارده به مجنی علیه استنباط نمی شود و با عنایت به اینکه منظور از خسارت و ضرر و زیان وارده، همان خسارت و ضرر و زیان متداول عرفی است لذا مستفاد از مواد ۳ و ۲ و ۱ قانون مسئولیت مدنی و با التفات به قاعده کلی لاضرر و همچنین قاعده تسبیب و اتلاف، لزوم جبران این گونه خسارات بلاشکال است».

۲- اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در نظریه شماره ۷،۹۷۹۲-۷،۹۷۹۲-۹ بر خلاف نظریه خود در شماره ۷،۳۳۷۶-۷،۲۳-۸،۶۲ خسارات مازاد بر دیه را جایز دانسته است. در این نظریه اخیر آمده است: «با توجه به قواعد لاضرر و نفی حرج و قاعده تسبیب، چنانچه محرز شود که در اثر عمل جانی، خسارتی بیش از دیه یا ارش بر مجنی علیه وارد شده است من جمله مخارج معالجه و مداوا، مطالبه آن از جانی که مسبب ورود خسارت بوده است منع شرعی ندارد و ماده ۱۲ قانون اصلاح قوانین و مقررات استاندارد و تحقیقات صنعتی مصوب ۱۳۷۱،۱۱،۲۵ نیز موید این نظریه است».

۳- در نظر مشورتی اکثریت قضات در پاسخ به این سوال که آیا ضرر و زیان هزینه های درمانی زائد بر دیه قابل مطالبه است یا خیر؟ آمده است: «در صورتی که دیه مورد حکم کفاف هزینه های درمان مصدوم را نکند دادگاه مکلف است در صورت تقاضای مدعی خصوصی حکم ضرر و زیان او را صادر کند ولو اینکه زائد بر دیه باشد».

در این نظریه به آیه شریفه «و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل» و نیز قاعده «لاضرر و لاضرار» و «بنای عقلامینی بر قبح ظلم» استناد شده است.

۴- استفتائات از فقها

در اینجا به متن استفتایی که از چند تن از علمای بزرگ شده است اشاره می کنیم. سؤال مورد استفتا این است:

آیا غیر از دیه سایر مخارج و هزینه های درمان و معالجه ناشی از جرم که مازاد بر دیه مقرر شرعی باشد قابل مطالبه هست یا نه؟ پاسخ به این استفتا از سه تن از مراجع چنین است:

- ۱- آیت الله اراکی: غیر از دیه چیز دیگری از مخارج و هزینه های درمان مجنی علیه حق مطالبه ندارد.
- ۲- آیت الله گلپایگانی: در مواردی که دیه تعیین شده است جانی زاید بر دیه مقرر را شرعاً ضامن نیست.
- ۳- آیت الله اردبیلی: در مواردی که تعیین قیمت نشده یعنی موارد ارش الحکومه کسی می تواند این جهات را در نظر بیاورد و دیه معقولی تعیین کند و در موارد متعین و منصوص مشکل است اضافه خواسته شود.

۵- مقتضای اصل اولی

بهتر است که در مرحله اول، اصل اولی در مسئله مورد نظر مشخص شود تا اینکه در هنگام شک به آن تمسک شود. از جمله واضحات است که طبق مبانی فقهی و حقوقی اصل برائت ذمه شخص از پرداخت خسارات مازاد بر دیه است و ضمان جانی نسبت به پرداخت خسارات مازاد بر دیه باید دلیل داشته باشد.

۶- مقتضای اصول ثانوی

ادله ای که می توان به عنوان احکام ثانوی بدان برای اثبات مطالبه خسارات مازاد بر دیه بدان اثبات نمود، عبارتند از:

الف: قاعده لاضرر

قاعده لاضرر از جمله ادله ایی است که می توان به واسطه آن حکم جواز به مطالبه خسارت مازاد بر دیه نمود. این قاعده از مشهورترین قواعد فقهی است که در تمام ابواب فقه به آن استناد می شود و از جمله قواعدی که در تعدیل یا تکمیل نصوص شرعی کاربرد موثر دارد و احکام فرعی فراوانی از آن متفرع شده است. با آنکه نصوص شرعی متعددی به عنوان مدرک قاعده مزبور مورد استناد فقها واقع شده است. اما بدون تردید، قبح ضرر و حسن جلوگیری از آن و در نتیجه نهی از اضرار، از احکامی است که عقل، صرف نظر از متون شرعی یا ادله نقلی، به آن حکم می کند و از مستندات عقلیه است. پذیرش این قاعده در میان صاحب نظران به حدی است که بعضی از آنها نیز آن را از قواعد مسلم بین فقها دانستند (عراقی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۳۰۱). البته استناد به این قاعده در مساله حاضر در صورتی است که مراد از قاعده لاضرر آن باشد که حقیقت ضرر در عالم تشریح نفی شده است. به عبارت دیگر، هر حکمی که از سوی شارع وضع گردد و مستلزم ضرر باشد و یا این که بخاطر جعل حکمی بر بندگان ضرری وارد می شود، چه ضرر بر شخص مکلف باشد یا بر دیگری، در اسلام نفی شده است. با توجه به این گونه برداشت از قاعده و روایت «لاضرر»، کلمه «لا» در معنای حقیقی خود استعمال شده است که همان نفی جنس به صورت حقیقی است و تردیدی نیست که رفع حکم ضرری از ناحیه شارع، رفع حقیقی است. زیرا اگر حکم ضرری وجود داشته باشد، جایگاه آن در عالم تشریح است (انصاری، ۱۴۱۴، ص ۱۱۵ - ۱۱۶؛ یزدی، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۵۶۲ و ۵۶۳؛ غروی نائینی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۳۰۱). البته بر اساس این نظریه از آن جا که در عالم واقع و تکوین ضرر وجود دارد می بایست کلمه ای را بعد از «لا» در تقدیر گرفت. یعنی بگوییم، «لا حکم ضرری فی الاسلام» به این معنا که در اسلام حکم ضرری وجود ندارد. به نظر می رسد که این نظریه صحیح باشد، زیرا استفاده ای که از سیاق حدیث شریف می شود آن است که رفع، رفع تشریحی است؛ زیرا مناسب مقام شارع مقدس و قانونگذار آن است که رفع و وضع تشریحی باشد نه تکوینی؛ در واقع رفع و وضع تکوینی تابع همان اسباب تکوین است، اگر اسباب موجود بود قهرا مسبب موجود می شود و إلا معدوم است. علاوه بر این، قانونگذار در مقام امتنان است و تسالم بر این معنی است که وقتی پیامبر اکرم (ص) خطاب به سمره می فرمایند: «أنت رجل مضار» یعنی تو یک انسان مضر بر ضرر هستی و پس از آن می فرماید: «لا ضرر و لا ضرار». هنگامی که رفع تشریحی و حکم، حکم امتنانی بود مناسب با این معانی آن است که احکام شرعی مرفوع باشند از صفحه تشریح، زیرا وجود احکام در هیچ جا جز عالم تشریح نیست و اگر خود قانونگذار آن را از عالم تشریح رفع کرد از عالم وجود حقیقتا و تحقیقا برداشته می شود؛ به جهت اینکه تشریح حکم عین تکوینش است. به تعبیر دیگر، هویت حکم به تشریح است. به خلاف اینکه اگر رفع تکوینی دانسته شود، قهرا رفع حکم به رفع موضوع ادعایی است. مثل «لا شک لکثیر الشک» «لا صلاة لجار المسجد إلا فی المسجد» (بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۲۵۸). با حفظ این مطلب در صورتی که جانی نسبت به خسارات مازاد بر دیه ضامن نباشد، ضرر بر مجنی علیه حاصل می شود که این منافات با مقتضای قاعده لاضرر دارد، در نتیجه مقتضای قاعده لاضرر ضامن بودن جانی نسبت به خسارات مازاد بر دیه است.

ب: قاعده نفی حرج

عسر و حرج از عناوین ثانویه ای است که در تمام ابواب و فروع فقهی بر احکام و قوانین شرعی موثر است، در نتیجه قاعده نفی عسر و حرج از قواعد بسیار مهمی است که در تعدیل و تکمیل قوانین شرعی نقشی اساسی دارد. در معنای این قاعده باید گفت هرگاه از اجرای احکام اولیه مشقتی پدید آید، آن تکلیف برداشته می شود. این قاعده از اصول راهگشا در مسائل حقوقی به شمار می آید که در قوانین مدنی کشور جمهوری اسلامی ایران نیز وارد شده است. دلیل آن نیز همان پشتوانه فقهی است که کشور ایران مبتنی بر آن احکام می باشد. نفی عسر و حرج در مواردی که وارد قوانین گشته، موجب تحول حقوق امروزی در مرتفع نمودن بسیاری از مشکلاتی است که به سبب پایبندی به اصول و اسلوب های کلی و قواعد عمومی خشک و بی روح و دارای انعطاف کم پدید آمده اند. این قاعده مستند به آیاتی چون «وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ...» (حج، آیه ۷۸) و «... مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ...» (مائده، آیه ۶) و «... يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ...» (بقره، آیه ۱۸۵) و روایاتی چون روایت عبد الاعلی مولی آل سام «قلت لأبي عبد الله عليه السلام عثرت

فانقطع ظفري فجعلت على اصبعي مرارة فكيف اصنع بالوضوء؟ قال يعرف هذا و اشباهه من كتاب الله عزّ و جلّ: قال الله ما جعلَ عَلَيكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرْجٍ، امسح عليه؛ امام صادق (ع) می‌فرماید که به زمین افتاده و ناخن وی جدا شده و انگشت خود را با پارچه بسته است، حال چگونه باید وضو بگیرد. امام (ع) می‌فرماید: حکم این قضیه و نظایر آن از کتاب خدا روشن می‌شود؛ زیرا خداوند فرموده‌است که در دین بر شما حرجی قرار داده نشده است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۳۳؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۰۳) و روایت موثقه ابی بصیر«(عن ابی بصیر، قال، قلت لأبی عبد الله (ع) أنا نسافر فرتما بلینا بالعدیر من المطر یكون الی جانب القرية فیکون فیہ العذرة و یبول فیہ الصبى و تبول فیہ الذائبة و تروث، فقال (علیه السلام): ان عرض فی قلبک منه شیء فقل: هكذا، یعنی امزج الماء بیدک ثم توضعاً فانّ الدین لیس بمضیق؛ لانّ الله عزّ و جلّ یقول: ما جعلَ عَلَیْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرْجٍ؛ ابی بصیر از امام می‌پرسد در سفرها چه بسا به برکه‌هایی بر می‌خوریم که در کنار آبادی است و انواع نجاسات در آن یافت می‌شود. حضرت می‌فرماید آب را با دستت به هم بزنی و سپس وضو بگیر؛ زیرا در این، مضیقه و تنگنا نیست و خداوند می‌فرماید: «ما جعلَ عَلَیْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرْجٍ» (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۲؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۰۷) و روایت محمد بن میسر«(عن ابن مسکان قال: حدثنی محمد بن میسر قال سألت ابا عبد الله (ع) عن الرجل الجنب ینتهی الی الماء القلیل فی الطریق و یرید ان یغتسل منه و لیس معه اناء یغرف به و یداه قدرتان؛ قال یضع یدیه ثم یتوضأ ثم یغتسل. هذا ممّا قال الله عزّ و جلّ ما جعلَ عَلَیْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرْجٍ؛ راوی در مورد مردی سؤال کرده که جنب است و در مسیر خود به آب قلیلی برخورد کرده است و می‌خواهد با آن غسل کند، در حالی که هم فاقد ظرف است و هم دستهای وی آلوده به کثیفی و یا نجاست است و حضرت نیز در پاسخ گفته‌اند چون مورد از مواردی است که خداوند فرموده است: «ما جعلَ عَلَیْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرْجٍ»، این فرد، ابتدا باید دستش را در آب فرو برده، وضو بگیرد و سپس غسل کند.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴؛ طوسی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۲۸؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۴۹) و نیز اجماع و عقل استناد جسته اند (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۸۲-۸۹). در اینکه آیا مفاد ادله نفی حرج نفی احکام حرجی بطور حقیقت است یا مجاز، یا نفی حکم است به لسان نفی موضوع، و یا اینکه در واقع مراد از آن نهی است میان علما اختلاف عقیده وجود دارد. حق در مقام این است که مفاد قاعده لا حرج همانند قاعده لا ضرر نفی نفس حکم حرجی است. در واقع این معنی در قاعده مورد بحث مؤدای آیه شریفه «وَمَا جَعَلْ عَلَیْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرْجٍ» (حج، آیه ۷۸) است و نیاز به تکلفاتی نیست که در قاعده «لا ضرر» محققان ذکر کرده‌اند (قواعد فقهیه، بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۶۹). لذا مضمون این قاعده نفی هرگونه ضیق و تنگی است که شامل هرگونه حرج خارجی است، بدان معنی که هیچکس حق ندارد عملی را بر دیگری تحمیل کند که در نهایت او را در تنگنا قرار دهد. این مسئله شامل قانونگذار و شارع مقدس نیز هست، چراکه نباید احکامی را وضع نماید که مخاطبین خود را در ضیق و تنگی قرار دهد. بر همین اساس اگر شخص خسارت مالی یا بدنی بر کسی وارد آورد و از پرداخت هزینه‌های مربوطه شانه خالی کند. در واقع مجنی علیه را در تنگنا و حرج قرار داده است و جانی نیز اگر خسارت وارده را در خصوص مازاد بر دیه جبران نکند، مجنی علیه را در معرض ضیق قرار داده است. لذا لزوم تأمین و پرداخت غرامات وارده اعم از دیه و مازاد بر آن شخص جانی لازم می‌آید.

ج: بناء عقلا

بنای عقلا به معنای روض و سلوک عملی خردمندان بر انجام دادن یا ترک کاری بدون دخالت و تأثیر عوامل زمانی، مکانی، نژادی، دینی و گروهی است (مظفر، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۵۳). البته مراد از سیره، سیره و عملی است که ناشی از فطرت و ارتکاز انسان‌ها باشد نه سیره ناشی از مبادی دیگر، مانند اجبار و ظلم حاکم ستمگر؛ ازینرو چه بسا به جای «بنای عقلا» تعبیر «ارتکاز عقلا» (یا تعابیر مشابه) را به کار برده‌اند (نائینی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۱۹۲؛ عراقی، ۱۴۱۷، ج ۴، قسم ۲، ص ۲۴۱). سیره عقلا به تنهایی حجت و دلیل حکم شرعی نیست، مگر در صورت تأیید و موافقت شارع با مفاد آن. شهید صدر راههایی برای اثبات حجیت بنای عقلا برشمرده و در نهایت معتقد است که اگر معصوم (ع) از یک سیره عقلایی منع کرده باشد، با توجه به آن که راویان و اصحاب انگیزه قوی برای نقل و روایت آن داشتند، بی تردید منع مذکور به دست ما می‌رسید؛ بویژه اگر آن سیره عقلایی نزد مردم رایج و استوار باشد. بنابراین، عدم وصول مخالفت شارع، حاکی از عدم منع شارع از آن بنای عقلایی است (صدر، ۱۹۷۸، ص ۱۷۸-۱۸۴؛ نائینی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۱۹۳). با حفظ این مطلب، در مسئله مورد نظر بنای عقلا بر آن است که عدم جبران خسارت‌های حاصل از کار دیگری، ظلم به زیان دیده است و به تبع آن حکم می‌کنند که این زیان باید

جبران شود و چون از سوی شارع مقدس در این مورد چیزی نرسیده است، می توان چنین درک کرد که وی نیز با چنین کاری موافق است (مرعشی، ۱۴۲۷، ص ۱۸۸).

د: قاعده تسبیب

از جمله دلایل دیگری که قائلین به مشروعیت اخذ خسارت زاید بر دیه به آن تمسک کرده اند قاعده تسبیب است. قاعده تسبیب یکی از قواعد فقهی حقوقی است که دارای فوائد و ثمرات بسیار زیادی است و هم در حقوق مدنی و هم در حقوق کیفری کاربرد فراوان دارد از جمله در ماده ۳۰۷ قانون مدنی در بحث ضمان قهری آمده است: «موجبات ضمان قهری عبارتند از غصب و آنچه در حکم غصب است، اتلاف، تسبیب، استیفاء». بر اساس این قاعده اگر کسی بطور غیر مستقیم و مع الواسطه موجب تلف مال دیگری گردد، ضامن است و مسئول جبران خسارت می باشد، اعم از اینکه موجب شدن عمدی باشد یا غیر عمدی و اعم از اینکه در اثر انجام فعلی باشد و یا در اثر ترک وظیفه. صاحب جواهر در مورد ضمان ناشی از تسبیب می گوید: «در این خصوص بین فقها اختلافی نیست و علاوه بر آن، اخبار متعددی بر وجود چنین قاعده ای دلالت دارد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۷، ص ۴۶). از جمله این روایات می توان به دو روایت ذیل اشاره نمود:

۱- صحیحہ حلبی؛ مطابق با مضمون این روایت، حلبی می گوید: از حضرت صادق (ع) پرسیدم اگر کسی چیزی در راه دیگری قرار دهد، به طوری که مرکب آن شخص در برخورد با آن رم کند و صاحبش را به زمین بزند، حکم قضیه چیست؟ حضرت فرمود: «کل شیء یضر بطریق المسلمین فصاحبه ضامن لما یصیبه»؛ یعنی صاحب هر چیزی که در راه مسلمین [واقع شود و] به آن ها ضرر بزند، ضامن پیامدهای آن است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۵۰؛ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۵۵).

۲- صحیحہ زراره؛ مطابق با مضمون این روایت، زراره می گوید: به حضرت صادق (ع) عرض کردم حکم کسی که چاهی در غیر ملک خویش حفر کند و عابری در حین عبور در آن بیفتد، چیست؟ حضرت (ع) فرمود: «علیه ضمان لان کل من حفر بئرا فی غیر ملکه کان علیه ضمان»؛ یعنی بر حفرکننده چاه ضمان است، زیرا هر کس چاهی در غیر ملک خود حفر کند، ضامن است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۵۰؛ طوسی، ج ۷، ص ۲۳۰).

در مسئله حاضر می توان با تمسک به این قاعده گفت که جانی همه آنچه را که مجنی علیه برای درمان خودش هزینه می کند، ضامن است، چرا که او سبب این هزینه ها و بزه دیده نیز ناگزیر از هزینه هاست. بنابراین در چنین جایی «تسبیب» به خسارت و ضرر و زیان، صدق می کند و در مانند این موارد سبب قویتر از مباشر است.

ل: ماهیت دیه

در صورتی که اگر دیه صرفاً یک مجازات باشد که بر مرتکب اعمال می شود، در این صورت باید گفت، طبق قواعد باب ضمان و مسئولیت مدنی، مجنی علیه می تواند افزون بر دیه، ضرر و زیانی را نیز که بر اثر عمل مرتکب، متوجه وی شده است، مطالبه کند، اما اگر دیه را یک نهاد حقوق مدنی بدانیم که شارع برای جبران خسارت زیان دیده مقرر کرده است، می توان گفت که چون میزان این جبران خسارت در شرع معین شده است، نمی توان چیزی علاوه بر دیه به عنوان جبران خسارت از مرتکب عمل مطالبه نمود.

بعضی از صاحب نظران دیه را مجازات دانسته اند (صانعی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۹۴؛ گلدوزیان، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴۲۴). جعفری لنگرودی در تبیین دیه می نویسد:

دیه، کیفری است نقدی که در هر یک از سه مورد ذیل، از مجرم به نفع مجنی علیه یا قائم مقام قانونی او گرفته می شود:

- ۱- در صورت تراضی مجنی علیه (یا قائم مقام قانونی او) و مجرم که به جای قصاص، دیه داده شود.
- ۲- در صورتی که رعایت شباهت مجازات با جرم، مقدور نباشد؛ چنان که اگر بر اثر جرم، استخوان جابه جا شود، قصاص مقدور نیست...
- ۳- در موردی که قانون، حکم به دیه کند؛ مانند قتل فرزند به دست پدر (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ص ۳۲۲).

در مقابل نظریه، به تصریح بعضی از صاحب‌نظران (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۲۹، ص ۳۷؛ شوشتری، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۱۸۹) و نیز مستفاد از سخنان فقها همچون فخر المحققین (فخرالمحققین، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۴۷۱) ماهیت دیه جبران خسارات اقتصادی وارد بر مجنی علیه است. فخرالمحققین، در بحث جریان حد زنا بر مجنون می‌نویسد:

«فقیهان شیعه اختلاف کرده‌اند در اجرای حد بر مجنون زمانی که مرتکب زنا شود... شیخان (مفید و طوسی)، ابن‌براج و صدوق قائل به جریان حد هستند؛ ولی سلار، ابن‌ادریس و مصنف (علامه حلی) قائل به عدم جریان حدند؛ همین قول نزد ما صحیح است؛ زیرا حد، مجازات است و سبب مجازات هم حرام بودن عملی است که نسبت به مجنون منتفی است؛ برای این که حرمت، حکم تکلیفی است و به هیچ وجه تکلیف، متوجه مجنون نیست» (فخرالمحققین، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۴۷۱).

از این سخنان می‌توان قاعده‌ای کلی استنباط کرد که سبب مجازات، حرام بودن فعل است؛ و چون در قتل خطایی، فعل حرامی اتیان نشده، بنابراین مجازاتی هم متوجه آن نیست و ماهیت قتل خطایی، جبرانی است.

مخالفان جبران زیان مازاد بر دیه، معمولاً برای اثبات نظر خود دیه را مسئولیت مدنی و ضرر و زیان می‌دانند و اظهار می‌دارند که دیه چون امر مالی و ضرر و زیان است، با پرداخت آن دیگر پرداخت هر ضرری فاقد مجوز قانونی و شرعی است. ولی از آنجایی که دیه ضمان مالی محض نیست، بلکه دارای ماهیت مستقل است، نظر اینها در مورد عدم جواز جبران زیان مازاد بر دیه هنگامی می‌توانست درست باشد که دیه را ضمان مالی (مسئولیت مدنی) محض بدانیم که با پرداخت آن دیگر دلیلی برای پرداخت ضرر دیگری وجود ندارد. اما ماهیت مستقل دیه چون با پرداخت زیان مازاد بر دیه تعارض ندارد، با پذیرش این نظر میتوان زیان مازاد بر دیه را نیز قابل مطالبه دانست.

۷- نظریه مختار

بر فرض اینکه اگر نتوانستیم از دلایلی که ذکر شده وجوب پرداخت خسارت های مازاد بر دیه را ثابت کنیم، می‌توانیم آن را با حکم ثانویه اثبات کنیم. بنابراین می‌توان چنین مقرر کرد که اگر کسی هرچند از روی اشتباه، به کسی آسیبی برساند، باید هزینه های درمان او را بر حسب نیازهای روز به دولت بپردازد و دولت نیز درمان را بر عهده گیرد. ملاک و معیار این مطالب نیز حفظ پایداری نظام و مصالح همگانی و مراقبت از جان بزه دیدگان و تأمین تندرستی و درمان آنان است. بی تردید این ها در مصلحت اندیشی هایی که حاکم اسلامی عهده دار آن است جای دارد و در روزگار ما به سود همگان است. بلکه خلاف چنین چیزی ستم و پایمال کردن حق بزه دیدگان است به گونه ای که با اطمینان میتوان گفت که قانونگذار اسلام آن را نمی پذیرد (برای تبیین مطلب، ر.ک: هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۵، ج ۵ و ۶، ص ۶۵).

۸- نتیجه گیری

با توجه به آنچه که در این مقاله آمده است، می‌توان گفت:

در رابطه با جواز مطالبه خسارات مازاد بر دیه، با نگاه به مواد قانونی، نظرات صاحب نظران، آرای اصراری و وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور، نظرات اداره حقوقی قوه قضاییه و نظرات مشورتی قضات دو برداشت متفاوت جواز و عدم جواز مطالبه خسارات مازاد بر دیه وجود دارد. نیز فتوای تعدادی از فقهای معاصر نیز بر عدم جواز دریافت خسارات مازاد بر دیه. منتها از نگارنده با در نظر گرفتن ادله ایی چون: قاعده لاضرر، قاعده لاجرح، بنای عقلا، قاعده تسبیب و نیز با توجه به ماهیت دیه و مهتر از همه با در نظر گرفتن حفظ پایداری نظام و مصالح همگانی و مراقبت از جان بزه دیدگان و تأمین سلامتی آنها، می‌توان جواز مطالبه خسارات مازاد بر دیه را استنتاج نمود.

منابع:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- انصاری، مرتضی بن محمدامین، رسائل فقهیه، مجمع الفکر الاسلامی، قم، ۱۴۱۴ ق.
- ۳- بجنوردی، سید محمد بن حسن موسوی، قواعد فقهیه، مؤسسه عروج، تهران، ۱۴۰۱ ق.
- ۴- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۷۲ ش.
- ۵- طباطبایی حائری، سید علی بن محمد، ریاض المسائل، مؤسسه آل‌البیت (ع)، قم، ۱۴۱۸ ق.
- ۶- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ ق.
- ۷- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.



97170-92402

تعلیم و تربیت، روشناسی، حقوق و مطالعات فرسنگی - اجتماعی

کترانس ملی دستاوردهای نوین جهان در



- ۸- سبزواری، سید عبد الأعلى، مهذب الأحكام، مؤسسه المنار - دفتر حضرت آية الله، قم، ۱۴۱۳ ق.
- ۹- شوشتری، سید محمد حسن مرعشی، دیدگاه‌های نو در حقوق، نشر میزان، تهران، ۱۴۲۷ ق.
- ۱۰- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۷۴ ش.
- ۱۱- صدر، محمد باقر، دروس فی علم الاصول، الحلقة الثانية، ۱۹۷۸ م.
- ۱۲- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا يحضره الفقيه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۳ ق.
- ۱۳- عراقی، آقا ضیاء الدین علی کزازی، مقالات الأصول، مجمع الفكر الإسلامي، قم، ۱۴۲۰ ق.
- ۱۴- عراقی، آقا ضیاء الدین علی کزازی، نهاية الأفكار، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۷ ق.
- ۱۵- غروی نائینی، میرزا محمد حسین، منیة الطالب فی حاشیة المکاسب، المكتبة المحمدية، تهران، ۱۳۷۳ ق.
- ۱۶- فخرالمحققین، محمد بن حسن بن یوسف، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۳۸۷ ق.
- ۱۷- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ ق.
- ۱۸- گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، نشر میزان، تهران، ۱۳۷۸ ش.
- ۱۹- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، ۱۴۰۶ ق.
- ۲۰- مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، بی نا، بیروت ۱۴۰۳ ق.
- ۲۱- منتظری نجف‌آبادی، حسین علی، مجازات‌های اسلامی و حقوق بشر، ارغوان دانش، قم، ۱۴۲۹ ق.
- ۲۲- نائینی، محمد حسین، فوائد الأصول، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۶ ش.
- ۲۳- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۴ ق.
- ۲۴- هاشمی شاهرودی، سید محمود، آنچه بزهکار افزون بر دبه باید بپردازد، فصلنامه فقه اهل بیت (ع)، سال دوم، جلد پنجم و ششم.
- ۲۵- یزدی، محمدکاظم بن عبدالعظیم، حاشیة فرائد الأصول، قم، دارالهدی، ۱۴۲۶ ق.

Archive

SID



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه‌های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم‌های
آموزشی

سامانه ویراستاری (ویرایش متون فارسی، انگلیسی، عربی)

کارگاه‌ها و فیلم‌های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



دوره مقدماتی گوگل ادز

دوره مقدماتی گوگل ادز



جذب پروژه از طریق لینکدین

جذب پروژه از طریق لینکدین



آموزش نرم‌افزار پاورپوینت (مقدمانی)

آموزش نرم‌افزار پاورپوینت



آموزش طراحی بسته بندی

آموزش طراحی بسته بندی